

[Afghanistan Digital Library](#)

adl0053

<http://hdl.handle.net/2333.1/1vhhmgt5>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu



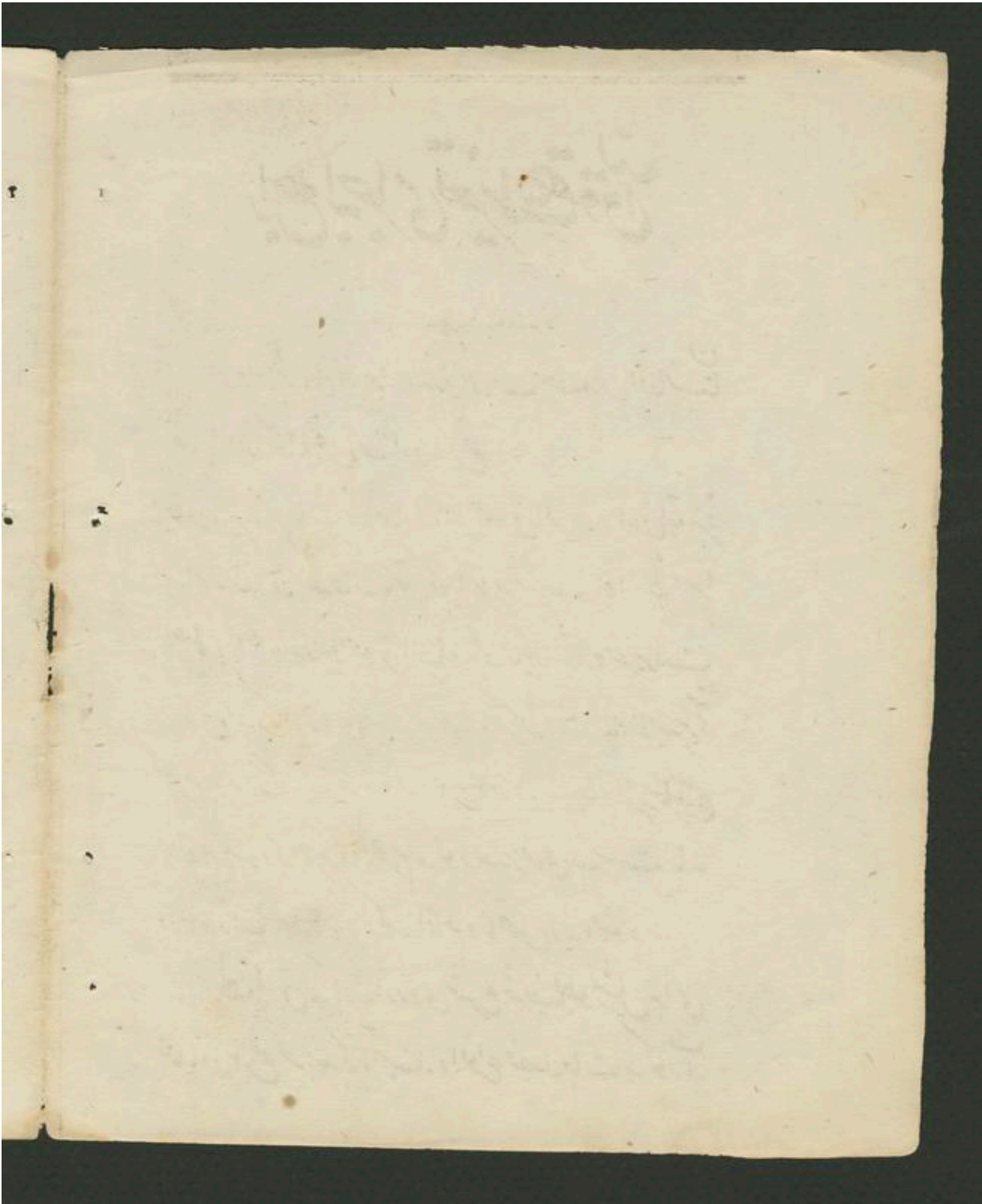
ہدایات رفیقہ قتل و حبس و ام

کہ بجا کم عدلیت آئندہ برواق آن فیصلہ تحریر شود

در مطبع شرکت رفیقہ دفعہ ثانیہ نیربہ طبع فرستین گم دید

(۱۲) جلدی سنگد ۱۳۰۵

تعداد طبع (۴۰۰) جلد



راجع اجرای تعزیرات حقوق

برضا نایب‌الملی محکمه جات عدلیه دولت مقدس افغانستان

صاحبنا الله تعالی عن السخندان واضح باد !

چون اکثر منازعات و واقعات مشتمل بحقوق العباد و حقوق تعدیه میباشند و فیصله جات آن که با تمام میرسد بواسطه ابراهیم یا صلح و یا عفو سقاط حقوق العباد شده میباشد و تعزیرات حقوق الله که از روی سیاسیات شرعیه دولت اسلامی برآمده مجرم مذکور لازم میباشد و یا نه در اشتباه باقی میباشد معلوم نمیشود که آیا بر ذمه مجرم مذکور تعزیرات حقوق تعدیه است یا نه در صورت فیصله های مذکور نا تمام و ناقص دیده میشود .

لخذا این بدایات از روی شرع شریف بطور تمثیل برای شما بیان واضح گردید که تا آئینده انواع فیصله جات مذکور است

نظیر حق تعالی

تام و کامل الطبرزد مذکور از هر قسم حرم که از اقسام مندرجه
 مذکوره بدایات پیدا بوده و یا نبوده از روی احکام شرعی
 فقه شریف مطابق مذہب مہذب حنفی ح فیصلہ کردہ باشند
 کہ تا در فیصلہ جات تفصیلاً نامامی ظاہر نگردد و حکم تغزیرات
 حقوق اللہ کہ در فیصلہ مذکورہ بہت یا نہ باقی ماند .

*

*

*

کتاب الفرائد
 فی شرح
 منہج
 فی
 الفرائد
 فی
 شرح
 منہج

جلد اول ...
 ...
 ...

...
 ...
 ...
 ...

بدان صورت فیصلہ قتل و جیس دوام
 کہ بجا کہ عدلیہ آئینہ بر وفق آن فیصلہ تحریر شود
 (مثلاً یک نظیر آن بصورت ذیل میباشد)

بتاریخ یوم شنبہ (۶) جدی سنہ (۱۳۰۳) حاضر آمدند
 در محکمہ شرعیہ ابتدائیہ ایالت کابل و یا
 مدعی سید اکبر ولد میر حیدر ساکن تنگی میدان و مدعا علیہ
 ہر یک سید معروف ولد سید محمد ساکن مذکور و

مدعی مذکور را ظہار نمود کہ عبد القدیر و ملا احمد خان مذکوران را
 کہ معاونان قتل سید انور مقتول دہستہ و گرفتہ ام چون از حضاً
 شاہدان عاجز شدیم نامبردگان را بتاریخ
 گرفتہ سوگند دادیم فقط مدعی مذکور مدعا علیہ سید معروف
 حاضر نہادے مذکور چنین دعوی شرعی نمود کہ سید انور پسر
 کہ شخص اصیل و مسلمان عاقل و بالغ محقون الدم علی التابید در دار السلام

بود و بهر چه من الوجوه کشتن و برای همین مدعی بناد و دیگر کسی روا
 بتایخ در محل مذکور تبخ شمشیر زده زخمی و مجروح
 کرده بود که از زخمهای او خون جاری شده و از زخمهای مذکور
 انزاع روح او شده و فوت گردیده بعد از قتل سیدانور مذکور
 وارث از وی من مدعی مانده ام لاخیر حال طلب قصاص سپرم
 که حق من است از شمایان امالی محکمه که نائب شرع مستقیم من خواهم
 که بالای سید معروف قاتل حکم شرع مطهر جاری شود .
 بعد از صحت دعوی مدعی مذکور از مدعی علیه سپر معروف مذکور پسر
 شد و جواب زادعای مدعی مذکور را بکار مطلق نمود و از مدعی مذکور
 طلب مینه عاده شد فردا بر روی کتبه حاضر آمدند مدعی و مدعی علیه
 مذکور در محکمه شرعیه مدعی مذکور گفت شما بدانند که منم که بنات حق
 خود را که قصاص سپرم میباشد بکنم و سوگند هم نمیدهم بلکه برای نشان
 ابراز حق سوگند خود کرده ام لهذا این خادم شرع حکم نمود که همراه مدعی
 مذکور در آینده در خصوص دعوی مذکور مراحم و غرضدار نباشد چیزی که
 در فوق مذکور گردیده خاص نقل فسیله خط شرعی است و آنچه اضافه نمودم

دیده میشود حسب میل است که باید بعد از این در فیصله جا اضافه شود :-
 (الف) :- چون از سید معروف مظنون مذکور که دعوی قتل ورثه
 سیدانور مذکور بالا او شده بود قصاص حکم حق العباد است
 بنا بر ابراساقط است مگر فعل قتل با اخبار تحقیقات ابتدایه که علم
 من رسیده بصورت مخفی شده و بصورت شده زور و مکار
 نشده و شخص مظنون مشهور با افساد نیست و در ملک هم منیت
 موجود است لهذا مظنون را حکومت بدون از قتل و
 مجلس دوام تعزیر کرده میتواند.

(ب) :- چون از سید معروف مظنون مذکور که دعوی قتل ورثه
 سیدانور مذکور بالا او شده بود قصاص حکم حق العباد بود بسبب
 ابراساقط شد مگر چون کیفیت فعل قتل مذکور با اخبار تحقیقات
 ابتدایه که علم من نرسیده قانع نمی شوم اگر حکومت دعوی
 تعزیرات حق اندوخته باشد مجلس مشوره تحقیقات ابتدایه
 مجرم مظنون مذکور را تسلیم کند که بعد از آرای مجلس
 مشوره اجرا شود.

(ج) - چون قتل سید معروف مذکور بصورت مخفی شده است
 و شدت و زور و مکابره شده است و مجرم ظهار قتل
 اغوا کرده بود و شخص مجرم شهید را با فساد نیست و در ملک
 امنیت هم موجود نیست حکومت بنا به صحت و تغیر بر اقل کرده
 مواد مذکوره که هیچ بقصد قتل در تغیرات حقوق است
 نوشته شده خاص متعلق بر این فیصله جا تیکه ثبات قتل شده باشد
 و بواسطه ابراه یا عفو یا صلح یا شبهه قصاص ساقط کرده دیده باشد
 و درین فصله اگر چه اثبات قتل نشده ولی بطور نظیر است.

تغیر حقوق بر آذرد و قطع اطرف
 بقی

(الف) - چون در حق عبدالله ولد که فعل سرقت ثابت
 شد گمراه شرعی لازم نشد و در صورتیکه فعل سرقت از آن گمراه
 دیده شد حکومت حکم تغیر بر الی قتل داده میتواند.
 (ب) - چون فیض محمد و عبد اعلی و در فعل قطع اطرف بقی
 گرفتار شدند که در بیرون شهر داره کرده بود ند چون

حد شرعی در باره آنها ثابت نشد مگر قطع الطریق آنها ثابت
شد حکومت حکم تعزیری الی قتل داده می تواند .

(ج) :- چون محمد امین ولد بفعل قطع الطریق گرفته

شد که اخذ مال و یا قتل نفس نکرده بود حکومت تعزیری
بدون قتل بحبس الی ظهور آثار توبه و صلح و یا بامیر داده می تواند .

(د) :- چون دوست محمد ولد بفعل

قطع الطریق گرفته شد که اخذ مال نموده و قتل

نفس هم کرده در باره او و یا یکی از رفقا سے او
حد شرعی لازم نشد حکومت تعزیری الی قتل کرده می تواند

(احکام مواد تعزیریة حقوق الله که برای قاتل در فیصله)

(که اثبات قتل شده باشد و بعد از عفو و صلح)

(و برای ورثه قصاص ساقط شود از طرف)

(پادشاه اسلام و یا نائب آن)

(داده میشود ازین مسائل ذیل)

(استنباط شده)

کتاب الفقه العرفی
جلد اول
فصل در حد شرعی
در قتل و اخذ مال

قال الحموي في شرح الاشباه لان المستحق
 اذا سقط حقه كان للامام التعزير لانه شرع
 للاصلاح (حموي) وايضا قال في موضع
 اخرى وفي الفتاوى الطهيرية وعبارتها الوار
 اذا عفى من القاتل هل يبرأ فبيننا وبين الله
 تعالى قال هو بمنزلة الذين على رجل لرجل
 فمات الطالب وبراءة الورثة فانه يبرأ فيما بقي
 واما عن ظلمه المتقدم فلا يبرأ فكذلك القاتل
 لا يبرأ عن ظلمه وعداوته ويبرأ عن القصاص
 (حموي) واعلم ان قتل نفس بغير حق من الكبر الكبار
 بعد الكفر بالله تعالى (رد المحتار جلد خامس باب الجفائات)
 فمرتكبه مرتكب محرر وكل مرتكب معصية
 لاحد فيما فيه التعزير وهذه الكلية غير
 منجاسة لانه قد يكون في معصية في حد
 (رد المحتار جلد ثالث باب التعزير) مورخه (١٠) جمدي سنة ١٣٠٣

بأبواب صورت
 تصحيح
 سنة ١٣٠٣



Handwritten text in Arabic script, likely a manuscript page. The text is arranged in approximately 15 horizontal lines, though it is significantly faded and difficult to read. The script appears to be a form of Maghrebi or Andalusian Arabic. The paper is aged and shows signs of wear, including some dark spots and a vertical crease on the right side. The overall appearance is that of an old, well-used document.

